

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

پیکار پامیر

۱۰/۰۸/۲۵

"نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان"

جلد اول

به ادامه گذشته

اشغال خوست :

در ماه مارچ سال ۱۹۹۱ میلادی، موقعی که هنوز "داکتر نجیب الله"، آخرین مُهره طرفدار روس ها در ارگ کابل بود، (آی . اس . آی) پاکستان پلان اشغال خوست را که هم مرز پاکستان بوده از نظر نظامی و سوق الجیشی دارای اهمیت عظیمی است ، طرح کرد. پایگاه بزرگ نظامی پاکستان به نام "میرامشاه" در آنسوی مرز و در چند ده کیلو متری خوست موقعیت دارد. دولتهای افغانستان قبل از کودتای ثور نیز از نظر نظامی و حساسیت این شهر در برابر حکومت پاکستان، توجه خاصی بدان مبذول میداشتند. روسها ظرف ده سال دوران اشغال افغانستان، به هر قیمتی که برای شان تمام میشد، در حفظ و نگهداشت این شهر سعی میکردند.

آی.اس. آی پس از خروج روسها از افغانستان، نیرو های "افغانی" و پاکستان را به منظور اشغال این شهر طوری به کار گرفت که گروههای مسلح حزب اسلامی گلبدین و حزب اسلامی مولوی "خالص" و محاذ ملی "پیرگیلانی" را وادار نمود تا به سوی خوست پیشروی نمایند و قوای منظم پاکستان به نام Second Panjab Battalion با پیشرفته ترین سلاح های جنگی در عقب آنها حرکت نماید. وقتی این قوای مختلط به روز بیست و هفتم ماه مارچ سال ۱۹۹۱ م (مطابق ماه حوت سال ۱۳۶۹ هجری شمسی) داخل شهر خوست گردیدند، شرم آور ترین و کین توزانه ترین اعمال و کردار را علیه شهریان ، دارائی عامه، وسایل و اسباب دولتی و سایر پدیده های مدنی و فرهنگی مرتکب گردیدند. تعداد زیادی از سر بازان و افسران اسیر افغانی را که مطابق مفکوره پوچ مهاجمین ، متعلق به ملیت های "غیر" بودند، به دستور جنرالان پاکستانی تیر باران کردند. بارکهای نظامی و هست و بود داخل شهر را تاراج نمودند، وسایل ثقیل جنگی را تا توانستند به پاکستان انتقال دادند و بقیه را پارچه پارچه کردند ،

اوراق و اسناد دواير مُلکی و عسکری به دست (آی . اس . آی) قرار داده شد، پاکستانی ها این حادثه را پیروزی بزرگ پاکستان در برابر افغانستان خواندند. چنانکه قاضی حسین احمد رهبر "جماعت اسلامی" پاکستان که خود از جمله منسوبین سازمان جاسوسی آن کشور بوده و با حزب اسلامی گلبدین رابطه تنگاتنگ دارد، از شادمانی در پیراهن نمی گنجید . وی طی بیانیۀ پر طمطراق در شهر ویرانه و اشغال شده خوست گفت: " این فتح و پیروزی در حقیقت فتح و پیروزی پاکستان در راه اسلام است ، سرحدات تعیین شده قبلی از بین رفت و ما باید سرحد جدید را تا دریای آمو عقب ببریم و . . . "

این بیانات قاضی حسین را روزنامه های پاکستانی با خط درشت چاپ کردند، از آن جمله مثلاً، روزنامه "جنگ" راولپندی در شماره (۲۶) ۱۹ رمضان ۱۴۱۱ مطابق پنجم ماه اپریل سال ۱۹۹۱ خویش نکات برجسته اظهارات قاضی مذکور را به چاپ رسانید که بُریده آن را در اینجا درج میکنیم :

" . . . ما لاشهای استعماری را از بین برده و یکی شدیم. سرحدات قبول شده از طرف انگلیس ختم شده و این سرحدات را تا دریای آمو نیز نمیگذاریم. در جنگ افغان نمایندگان اقوام مسلمان تمام دنیا اشتراک دارند و این جنگ جنگ عالم اسلام است ... "

برخی از گزارشاتی که از میدان جنگ به کابل مخابره میشد، ازینقرار بود :

" قوتهای مجاهدین بدون تردید از طرف اردوی پاکستان نه تنها تقویه میشدند، بلکه مسایل لوژستیکی و ارتباطی آن از طرف قوتهای منظم پاکستان تحت اداره مستقیم آی. اس. آی انجام می یافت . نظر به شواهد و اسنادی که بعد ها دولت افغانستان اعلان نمود، ملیشه های پاکستانی در ترتیب و تنظیم و اجرای محاربه و همچنان تحت تاثیر آتش گرفتن مدافعین خوست توسط توپچی و راکت‌های دور منزل مستقیماً سهم گرفته بودند. تعداد قوتهای تعرض کننده در حدود پنجهزار نفر تخمین زده میشد. "

" (کتاب اردو و سیاست - صفحه ۴۶۱)

" مجاهدین سقوط خوست را جشن گرفتند، چنان جشنی که نظیر آنرا تاریخ بشریت کمتر به خاطر داشت، جشنی که چنگیز و هلاکو را انسان فراموش میکرد، جشنی که با فیر های شادبانه، هزاران تفنگ به دست آغاز یافت و با غارت کردن و چور و چپاول نمودن آخرین دستکها و لخکهای دروازه خوستیان خاتمه یافت. آنها همه چیز را بردند، تانکها را اره کردند، لاشه های طیارات نیمه سوخته را قطعه قطعه نمودند، توپ ها را ، موترها را، اسلحه ها را، خول های خالی برنجی و مسی مرمیات توپچی، تانکها را ، قراوانه ها، کاسه ها، دیگها، لوازم دفترها، سیف ها، کوچ و چوکی ها، قالین ها، پرده ها، دریشی ها، بوتهها، مواد اعاشه، کلکین ها ، دروازه ها ، دستکها، خلاصه هر جسمی که جامد بود و نامی بر آن گذاشته شده بود غارت گردید. به طوریکه هرکس که ریسمان داشت و خورجینی از این بازار مکاره نامراد و ناشاد نرفت. میخ به دیوار خوست باقی نماند و "حقانی" { یکی از قومندان های مجاهدین سمت جنوبی افغانستان } در پاکستان به " کباری" (آهن پاره فروش) شهرت یافت.

(همان کتاب- صفحات (۴۶۱ و ۴۶۲)

مولوی جلال الدین " حقانی" که یکی از قومندان های حزب اسلامی مولوی " خالص" و همکار نزدیک سازمان جاسوسی ارتش پاکستان (آی . اس . آی) میباشد، در اشغال، غارت و خوست و نیز در کشتار عسکر و افسردولتی در پیشاپیش ملیشه های پاکستان نقش عمده ای داشت. چنانکه در سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۷ میلادی به حیث قومندان "طالبان" در قتل و غارت اهالی شمالی نیز سهم اساسی را به عهده گرفت. در اینجا ، تذکر این نکته نیز جالب خواهد بود که بعد از آنکه اشغال خوست در اواسط ماه حمل ۱۳۷۰ هجری شمسی تکمیل گردید، عده ای از افسران

و سربازان دولتی فرار کردند که تعدادی از آنها در طول راه دستگیر و تیر باران شدند، اما مثلاً، یکی از جنرالان نزدیک به " دکتر نجیب الله " بنام " سوله مل " که وظیفه مهم جنگی را نیز در خوست به عهده داشت، وقتی حین فرار دستگیر میشود، نه تنها کسی او را مجازات نمیکند، بلکه بعداً به مثابه مشاور خاص مولوی " حقانی " در جنگهای " گردیز " هم تبارز مینماید.

مجله " آیینۀ افغانستان " در شماره ماه های اپریل و می سال ۱۹۹۱ میلادی خویش زیر عنوان " فتح خوست و مسایل مربوط به آن " نوشت :

" ما به مدعیات رژیم کابل که از سوقیات قوای پاکستان در شهر خوست و حاشیه سرحدات به مؤسسه ملل متحد، ممالک اسلامی و بیطرف شکایات سر داده احصائیه ها ارایه نمود، وقعی نمی گذاریم، ولی اخبار و مشاهدات مهاجرین خود ما را نا دیده گرفته نمیتوانیم که گفتند شاغلی حکمتیار حدود دو هزار عسکر پاکستانی را در تپه متون جابه جا کرده و رئیس جماعت اسلامی پاکستان را نیز برای تماشاه دعوت کرده بود. مردم میگویند و میپرسند موجودیت آنهمه پاکستانیها ، خصوصاً در مواضع حزب اسلامی حکمتیار، جهاد و فتح خوست را لکه دار ساخته . . . "

مجله مذکور همچنان نوشت :

" نفاق و جنجال بالای قبض غنیمت درست یک هفته بعد از فتح خوست به تاریخ ۶ اپریل توسط رسانه های خبری جهانی پخش شد. نیویارک تایمز از قول " ریوتر " خبر داد که مناقشاتی که بین حکمتیار و حقانی بالای قبض یا تقسیم غنایم جنگ پدید آمده مقامات استخبارات پاکستانی را به تشویش انداخته و یک هیأت عالی رتبه را برای دفع نزاع اعزام داشته اند. نیورک تایمز علاوه کرد که حقانی به روز ۴ و ۵ اپریل . . . در یک برودکاست رادیویی به پیروان خود گفت:

" درباره تانکها تشویش نکنید، در باره هلیکوپتر ها تشویش نکنید، در باره تفنگ و اسلحه تشویش نکنید. من با حکمتیار در زمینه پیمانی امضاء کرده ام و همه چیز به قرار شریعت اسلامی تقسیم خواهد شد. "

نیویورک تایمز همچنان نوشت که : " اجساد سربازان و ملیشه های رژیم به هر جایی که افتاده اند، تعفن ایجاد کرده کسی آنها را نمی بردارد. "

دگروال یوسف در بخشی از کتاب " تلک خرس " چنین مینویسد :

" در سال ۱۹۸۴، سی آی ای توسط اجنت های خود تلاش داشت تا کدام پیلوت افغانی را پیدا کند که یكدانه از هلیکوپترهای MI-24 ضد مرمی را برایشان به پاکستان بیاورد . . . تا بالاخره ما به اینکار اقدام نمودیم و به جای یک ، دو دانه از آن هلیکوپتر ها را فرار داده توانستیم . جریان به ترتیبی بود که من به لیدران { رهبران تنظیم های جهادی } گفتم که به داشتن این هلیکوپترها ضرورت است و آنها به کابل اطلاع دادند که به فرار کننده خوش آمدید خواهند گفت . . . در یک بعد از ظهر اواسط سال ۱۹۸۵ به من تلفون شد که دو هلیکوپتر MI-24 در میرامشاه به زمین نشست . . . بعد از چند ساعت ما پیام های تبریکی از حصول وسایط از سفارتخانه ها به دست آوردیم . . . ما به متخصصین از انگلستان، آلمان ، فرانسه و چین این اجازه را دادیم تا تفتیش و از وسایط عکاسی نمایند و بعد از چند هفته آنها را به امریکا انتقال دادند که از جمله، چهار پیلوت آن با وسایط ضمیمه بودند . . . "

آری! بدین گونه، حکومت پاکستان راه خروج طیاره های نظامی افغانستان را مهیا نموده و تا سال ۱۹۹۰ میلادی، چهارده بال طیاره مختلف النوع افغانستان توسط پیلوت های افغان به پاکستان انتقال داده شد که مقامات پاکستانی در قبال آنها از ایالات متحده و سایر کشورهای قدرتمند امتیاز دریافت نموده است . آنچه جالب است اینست که مقامات

پاکستانی تا کنون در زمینه اعاده این امانت های ملی جانب افغانی حرفی هم به لب نیاورده اند. با تأسف حکومت های افغانستان پس از سقوط رژیم کودتای ثور نیز در این مورد سکوت اختیار نموده اند. همانسان که به خاطر پرداخت غرامت جنگ در برابر روسیه، تاکنون خاموشی سؤال برانگیزی را برگزیده اند.

اینک، تعداد، نوعیت، تاریخ و محل ورود این طیاره ها به خاک پاکستان و نیز اسامی پیلوتهای فراری که در شماره شانزدهم سال دوم ماهنامه " پگاه " چاپ کانادا به نشر رسیده است، در اینجا درج میکنیم:

تاریخ فرار دادن طیاره	نوع طیاره	اسم پیلوت فرار دهنده	محل فرود آمدن طیاره
۱۹۸۱/۴/۲۴	M1-8	تورن جمال	سرمنگلی
۱۹۸۳/۱۱/۲۰	SU-17	تورن محمد نبی	مالبندی
۱۹۸۴/۱۱/۲۲	AN-26	دگرمن محمد فقیر	میرامشاه
۱۹۸۵/۷/۱۲	M1-24	تورن حسین	میرامشاه
۱۹۸۵/۷/۱۶	M1-24	تورن داوود	میرامشاه
۱۹۸۶/۱۰/۲۳	M1G-21	عبدالمنیر	کوها ت
۱۹۸۸/۸/۸	M1G-21	تورن واسع	پاراجنار
۱۹۸۹/۷/۳	M1G-24	تورن سخی	میرامشاه
۱۹۸۹/۷/۱	SU-22	تورن جان محمد	پشاور
۱۹۸۹/۹/۲۹	M1G-21	جلال الدین	پشاور
۱۹۹۰/۳/۷	AN-12	دگروال گلبدین	پشاور
۱۳۶۸/۴/۱۲	MU-25	شهنواز (تنی)	پشاور
۱۳۶۸/۱۲/۱۷	MU-17	تورن حامد	پشاور

باید متذکر شد که این لیست، شامل تانکها و وسایط زرهی نمی شود که در جریان سالهای جهاد از افغانستان به پاکستان انتقال داده شده اند. امید که هموطنان مطلع ما، با درک مسؤولیت ملی شان هم لیست بالا را تکمیل نمایند و هم لیست کامل سایر وسایل نظامی افغانستان را که ملکیت مردم بوده و طی سالهای جهاد به خاک پاکستان انتقال داده شده اند، ترتیب داده به نشر بسپارند تا روزی در نتیجه اقدامات یک دولت ملی و مردمی به وطن برگردانده شوند.

یکی دیگر از سوءاستفاده های خطرناک (آی. اس. آی) در هموائی و همکاری نزدیک با (سی. آی. ای) علیه سیستم اقتصادی افغانستان این بود که این دو شبکه استخباراتی، به مقدار معتناهی از بانکوتهای جعلی افغانی چاپ و از طریق "تنظیم" های اسلامی- جهادی، گروپ های مجاهد و اجنت های خود شان به داخل افغانستان پمپ میکردند، عین عمل نا روائی را که (کی. جی. بی) در ماسکوانجام داده و به وسیله رژیم دست نشانده و اجنت های خویش به داخل کشور مان می گسترانیدند. این اقدام غیر قانونی و خلاف نظم اقتصادی، موجب شد که ارزش پول افغانی تا چندین صد فیصد تنزل نموده و (دفلاسیون) اقتصادی را در جامعه بار آورد که فشار سنگین و کمر شکن چندین ساله آنرا مردم بی بضاعت و ناتوان افغانستان متحمل شده و هنوز هم میشوند.